

شناسایی و اولویت بندی چالش های حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۹

علی صالح نیا*

رضا احمدی**

چکیده

در این پژوهش با استفاده از روش مطالعات اسنادی و تحلیل اهمیت- عملکرد، ابتدا موانع موجود در حکمرانی جمهوری اسلامی ایران احصاء شده و در گام بعد، پس از انجام نوزده مصاحبه با مسئولان، فعالان و متخصصان حوزه حکمرانی و سیاست گذاری و تکمیل پرسشنامه های خاص تحلیل اهمیت- عملکرد، میزان اهمیت و عملکرد این موانع در حکمرانی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. موانع «تحریم و شرطی شدن اقتصاد»، «فساد اداری»، «کم رنگ بودن شفافیت»، «ضعف دولت الکترونیک»، «اقتصاد متکی به نفت»، «مسئله خصوصی سازی و رقابت پذیری»، «کاهش جمعیت و بسته شدن پنجره جمعیتی» و «نظام بودجه ریزی معیوب» به ترتیب بیش از سایر موارد مورد توجه تصمیم گیران بوده اند. همچنین بر اساس تحلیل و ارزیابی شکاف میان اهمیت و عملکرد موانع، لازم است موانع «عوام گرایی سیاسی»، «تورم قوانین»، «کاهش سرمایه اجتماعی» و «ضعف در نظام برنامه ریزی» به ترتیب در اولویت مسئولان اجرایی کشور قرار گیرد.

واژگان کلیدی: چالش های حکمرانی، جمهوری اسلامی ایران، حکمرانی، تحلیل اهمیت- عملکرد.

* دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول).

salehnia.isu@gmail.com

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی (گرایش جامعه شناسی سیاسی) دانشگاه امام صادق (ع)

rezaahmadi.isu@gmail.com

1. Importance-Performance Analysis (IPA)

فصلنامه مطالعات راهبردی ● سال بیست و پنجم ● شماره اول ● بهار ۱۴۰۱ ● شماره مسلسل ۹۵

مقدمه

درک تغییر به یکی از مهم‌ترین چالش‌های حاکمیت معاصر تبدیل شده است. فروپاشی شوروی و بحران اقتصادی جهانی نشان دادند که محققان و دست‌اندرکاران در بسیاری از رشته‌ها و علوم مختلف در درک و تبیین رویدادها و تغییرات غیرمنتظره در جامعه با مشکلات زیادی مواجه هستند. نه تنها پیش‌بینی بحران‌ها برای رشته‌های دانشگاهی سخت است، بلکه تدوین پاسخ برای مدیریت آن‌ها نیز دشوار است. اغلب سیاست‌ها، طرح‌ها و رویه‌هایی که به‌عنوان پاسخ ارائه می‌شوند، شکست می‌خورند؛ زیرا با وضعیت کنونی و شیوه‌های هماهنگ‌سازی سیاست‌ها تناسب ندارند، یا برعکس، به این دلیل که موقعیت‌های جدید را بیش از حد در پرتو بسترهای قدیمی آن می‌بینند (Beunen & Van Assche, 2021).

در کنار این موضوع، یکی از مهم‌ترین دغدغه دولت‌ها در قرن بیست‌ویکم، استفاده از ظرفیت‌های نهادی و انسانی خود برای بهبود معیشت شهروندان، بهبود کسب‌وکارها و ارائه خدمات عمومی اساسی بوده است. بسیاری از کشورها برای تحقق این امر نهادها، چارچوب‌ها و ابزارهای حاکمیتی خود را توسعه داده و در آنها تجدیدنظر کرده‌اند. در حال حاضر، بحران‌های مالی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی جهانی، نقش منحصر به فرد دولت را در خدمت به منافع عمومی برجسته می‌کند. این بحران‌ها همچنین نیاز دولت‌ها به توسعه ظرفیت‌های خود برای پیش‌بینی، پیشگیری و پاسخ به چالش‌های پیچیده و پویا را برجسته کرده است. در مرکز این صحنه، دولت‌ها به دنبال این امر هستند که چگونه می‌توانند ظرفیت خود را برای پیش‌بینی و مدیریت ریسک‌ها بهبود بخشند و به مشکلات پیچیده در محیط‌های در حال تغییر واکنش سریع نشان دهند (OECD, 2009: 20).

چالش‌های جمعیتی، مالی و زیست‌محیطی کنونی، ضرورت بازنگری در نقش دولت و توانایی‌های مورد نیاز دولت را افزایش داده است. کیفیت، انعطاف‌پذیری و اثربخشی سیستم‌های حکمرانی عمومی در توانایی کشورها برای رسیدگی به مسائل آینده نقش اساسی دارد. تعاملات بین دولت‌ها، شهروندان، مشاغل و جامعه مدنی ممکن است در آینده نزدیک و شاید در آینده بسیار متفاوت عمل کند. علاوه بر این، هم تغییرات آب‌وهوایی و هم بحران‌های

مالی اهمیت توجه به نظام‌های حکمرانی را نشان داده‌اند. از آنجایی که با گذر زمان، کشورهای جهان هرچه بیشتر به هم متصل می‌شوند، دولت‌ها باید برای واکنش سریع در محیط‌های پویا چابک باشند. به عنوان مثال، شهروندان به دنبال راه‌حل‌های فوری برای مشکلات پیچیده خود بوده و خواستار دریافت خدمات عمومی با کیفیت بالا برای برآوردن شرایط و نیازهای در حال تغییر خود هستند. علاوه بر این، تداوم پیشرفت فناوری، انتظارات شهروندان را از دولت برای ایجاد راه‌های جدید ارتباطی و شخصی‌سازی خدمات افزایش داده است. شهروندان تحصیل کرده‌تر نیز دولت‌هایشان را هم براساس «عملکرد دموکراتیک» (میزانی که فرایندهای تصمیم‌گیری دولت مطابق با اصول دموکراتیک باشد) و هم براساس «عملکرد سیاسی» (توانایی‌شان در ارائه نتایج مثبت برای جامعه) قضاوت می‌کنند. در حالی که انتظارات جامعه از دولت در حال افزایش است، منابع موجود برای رفع این نیازها محدودتر می‌شود. در این شرایط، بازنگری در نقش دولت و دامنه فعالیت‌های آن و نیز بهبود کارایی و اثربخشی بخش عمومی ضروری به نظر می‌رسد (OECD, 2009: 30-31).

انقلاب اسلامی ایران نیز از این امر مستثنی نیست. جمهوری اسلامی ایران بیش از چهل سال از عمر خود را پشت سر گذاشته و در شرایط فعلی، با چالش‌ها و موانع متعددی بر سر راه حکمرانی مواجه است. به نظر می‌رسد این مسئله بهانه خوبی برای آسیب‌شناسی از تجربه حکمرانی در کشور است تا در گام دوم انقلاب اسلامی با شناخت بهتر چالش‌های حکمرانی، نسبت به بهبود آن اقدام گردد. به بیان دیگر، اهمیت توجه به چالش‌ها و موانع حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران را باید در گفتمان مردمی انقلاب اسلامی و همچنین تجربه جهانی نیاز کشورها به فرایندهایی با تمرکز کمتر بر نهادهای رسمی دولتی یافت. امروزه دولت‌ها بیش از گذشته با ذی‌نفعان مرکب، چندگانه و متکثر روبه‌رو شده‌اند. روند فوق‌منحصر به کشور خاصی نیست؛ دنیای جدید فقط دنیای دولت‌ها نیست و در کنار دولت‌ها یا حتی گاهی قوی‌تر از دولت‌ها، بی‌شمار ذی‌نفعان و گروه‌هایی فعالیت می‌کنند که به هیچ‌وجه نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت. این بازیگران جدید، هم ظرفیت‌هایی برای پیشرفت کشورها دارند و هم می‌توانند چالش‌هایی را برای کشورها ایجاد نمایند. بنابراین لازم است چالش‌ها و موانع حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

بر این اساس، در این مقاله تلاش می‌شود با پاسخ به این سؤال که «مهم‌ترین موانع حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران کدام هستند؟»، مهم‌ترین چالش‌ها و نقاط ضعف را در نظام حکمرانی جمهوری اسلامی ایران شناسایی کرده و با استفاده از یکی از تکنیک‌های تحقیق در عملیات نرم به نام تحلیل اهمیت- عملکرد، نسبت به اولویت‌بندی آن‌ها اقدام شوند. این امر می‌تواند سیاست‌گذاران و مدیران کشور را در بهبود حکمرانی در گام دوم انقلاب اسلامی یاری رساند.

الف. پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر درخصوص چالش‌ها و موانع حکمرانی در جهان، و به ویژه در جمهوری اسلامی ایران، تحقیقات و پژوهش‌های قابل قبولی انجام شده است که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم:

۱. امیرپور (۱۳۹۶) در پایان‌نامه خود با عنوان «چالش‌های اجرای اصول حکمرانی خوب در نظام استخدامی صنعت نفت و گاز» معتقد است جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که درصدد برقراری حکمرانی خوب است اما همواره در صنعت نفت و گاز به‌خصوص در زمینه نیروی انسانی با چالش‌هایی در این زمینه روبه‌رو بوده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد به منظور اعمال حکمرانی خوب باید کلیه قوانین و مقررات با متغیرهایی همچون دموکراسی، مشارکت، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، شفافیت و کارایی با حول و محوریت حاکمیت قانون همگام باشد تا بتوانند به درستی با توانمندی دولت و نهادهای مدنی و بخش خصوصی به توسعه در کشور برسند.

۲. نعمت‌الهی (۱۳۹۸) در کتاب خود با عنوان «چالش‌های پیش‌روی حکمرانی و مدیریت کلان شهری» به بررسی مشکلات و چالش‌های شهرنشینی و مدیریت شهرهای بزرگ می‌پردازد. نویسنده این کتاب معتقد است عصر جدید، عصر اطلاعات، ارتباطات، سرعت، تغییر و شبکه‌هاست. آنچه بسیار اهمیت دارد این است

که تعاریف باید به اقتضای زمان و مکان، تغییر یافته یا بازبینی و بازتعریف شوند. بنابراین تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در مواردی که سرعت تکنولوژی خیلی بالاست، احتیاج به مهارت‌های خاص، امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری خاص و البته دانش خاص در این حوزه دارد.

۳. خان (۲۰۱۷) در کتاب خود با عنوان «جهانی‌شدن و چالش‌های اداره امور عمومی: حکمرانی، مدیریت منابع انسانی، رهبری، اخلاق، حکمرانی الکترونیک، پایداری در قرن بیست‌ویکم» از حکمرانی و مدیریت دولتی به جای یکدیگر استفاده می‌کند تا استدلال کند که وظایف اجرایی نیازمند همکاری هر دو بخش دولتی و خصوصی است؛ به ویژه در چشم انداز به سرعت در حال جهانی‌شدن. سپس از تحلیل‌های آماری برای بررسی چالش‌های جهانی‌شدن در مدیریت منابع انسانی، اخلاق و مسئولیت‌پذیری، پایداری، حکمرانی‌های الکترونیکی و رهبری در بخش عمومی استفاده می‌کند.

۴. ابوالفتحی و قنبری (۱۳۹۸) در مقاله خود با عنوان «بررسی موانع و راهکارهای تحقق حکمرانی خوب در ایران با تأکید بر سرمایه اجتماعی در سطح کلان»، تلاش می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که چه رابطه متقابلی بین سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب در ایران وجود دارد؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که رابطه متقابلی بین عدم تحقق حکمرانی خوب و افول سرمایه اجتماعی در سطح کلان وجود دارد. به علاوه این نوشتار نشان می‌دهد که موانع حکمرانی خوب به شکل یک سیکل معیوب در طول سال‌های متمادی، یکدیگر را بازتولید کرده‌اند و این سیکل معیوب خود بزرگترین مانع پیش روی حکمرانی خوب در ایران بوده است.

۵. دوله، سیف‌اللهی و زنجانی (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان «مطالعه زمینه‌ها و موانع شکل‌گیری حکمرانی خوب در ایران معاصر» نسبت به مطالعه و بررسی نقش احزاب سیاسی در شکل‌گیری حکمرانی خوب در ایران تلاش می‌کنند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که عمده‌ترین مشکل و مانع دستیابی به حکمرانی خوب در ایران از جانب نظام‌های سیاسی ایجاد شده است. نظام‌های سیاسی توزیع قدرت را تهدید

قلمداد کرده و آزادی فعالیت احزاب و تشکل‌های مدنی را محدود کرده‌اند. عزیمت به سوی توسعه پایدار و رعایت حقوق شهروندی و قانون‌مداری، زمینه‌ساز بنیادین دستیابی به حکمرانی خوب در ایران می‌باشد.

۶. یزدان فام و صدرانیا (۱۴۰۰) در مقاله خود با عنوان «شبکه مسائل راهبردی ایران و نقش عوامل ساختاری در شکل‌گیری آن‌ها» که در فصلنامه مطالعات راهبردی به چاپ رسیده است، تلاش می‌کنند با استفاده از سنجش درهم‌کنشی این مسائل بر همدیگر، مسئله‌ها را از منظر جایگاه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مشخص و راهی پیش پای تصمیم‌گیرندگان برای اولویت‌بندی و تصمیم‌گیری قرار داد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سه مسئله «ناسازگاری سیاست خارجی ایران با نظام بین‌الملل»، «پرونده هسته‌ای» و «مناسبات ایران و آمریکا» مهم‌ترین مسائلی هستند که در شکل‌گیری و تشدید سایر مسائل، نقش تأثیرگذار برجسته‌ای دارند و بیش از سایر مسائل بر امنیت ملی ایران تأثیرگذارند.

در مجموع با بررسی پژوهش‌ها و مطالعات موجود در رابطه با موانع حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران، می‌توان گفت اولاً اکثر تحقیقات صورت‌گرفته در این حوزه به صورت تک‌بعدی، به یک بعد از ابعاد حکمرانی پرداخته‌اند و عملکرد جمهوری اسلامی ایران در این خصوص را مورد بررسی و ارزیابی قرار داده‌اند. بر این اساس در این پژوهش تلاش می‌شود تا با نگاهی سیاست‌گذارانه نسبت به این چالش‌ها و موانع حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران نگرسته شود تا بر اساس آن بتوان راه‌حل‌ها و سیاست‌هایی کارآمد را اتخاذ کرد.

ب. چهارچوب مفهومی پژوهش

اولین و مهم‌ترین اقدامی که قبل از هر پژوهشی باید صورت گیرد، مفهوم‌شناسی آن پدیده است. پرداختن به موضوع حکمرانی از جهات مختلف نیازمند توجه است، چراکه در سال‌های اخیر برای این مفهوم معانی مختلفی قصد شده است که بعضاً با آنچه که دانشمندان مدیریت دولتی و سیاست‌گذاری قصد می‌کنند، تفاوت دارد.

حکمرانی به همه فرایندهای حکومت‌داری اطلاق می‌شود؛ خواه توسط یک دولت، بازار یا شبکه انجام شود، خواه بر سر یک خانواده، قبیله، سازمان رسمی یا غیررسمی یا قلمرو و خواه از طریق قوانین، هنجارها، قدرت یا زبان اعمال گردد. تفاوت حکمرانی با دولت در این است که کمتر بر دولت و نهادهای آن و بیشتر بر روی اعمال و فعالیت‌های اجتماعی تمرکز می‌کند (Mashreque & Rahman, 2015).

با توجه به این مفهوم به نظر می‌رسد مدل کلی اداره امور در جمهوری اسلامی ایران با توجه به سرشت مردمی دمیده‌شده توسط رهبران انقلاب اسلامی به‌خصوص امام خمینی^(ره) بیشتر به مفهوم حکمرانی قرابت دارد و موفقیت کشور نیز در گرو طراحی سازوکارهای مناسب برای مشارکت هرچه بیشتر مردمی و اجتماعی است. اسلام نیز به صورت اصیل به اجتماع توجه ویژه‌ای دارد که این مسئله در اهمیت بسیار زیاد احکام اجتماعی قابل فهم است. بر اساس این تعریف، حکمرانی مستلزم تصمیم‌گیری است و با توجه به کثرت بازیگران و تغییرات مستمر در جامعه، بسیاری از نسخه‌های مختلف و همیشه در حال تغییر از واقعیت گذشته، حال و آینده (مطلوب) پیوسته در پیکربندی کنشگران و نهادها مداخله می‌کنند. رسمی‌ترین نهاد و بازیگر حکمرانی، «دولت» است؛ ارگانی که تنها مسئولیت و اختیار آن اتخاذ تصمیمات الزام‌آور در یک نظام ژئوپلیتیک معین از طریق وضع قوانین است. این نهاد به عنوان تنظیم‌کننده قواعد بازی و ابزار ایجاد هماهنگی میان سایر بازیگران شناخته می‌شود (Puspitasari, 2017).

در حکمرانی، ایجاد هماهنگی برای رسیدن به تصمیمات جمعی، حائز اهمیت است. این تصمیمات قوانینی را برای هدایت صحیح تصمیم‌گیری، قواعدی را در مورد نحوه تعامل بازیگران با یکدیگر و نیز موضوعات و ایده‌های حکمرانی را تولید می‌کنند. تصمیمات جمعی همچنین می‌تواند قوانینی را برای تغییر هر یک از این قواعد ایجاد کند (Eggertsson, 2005). ایجاد هماهنگی میان این طیف از بازیگران به منظور توسعه تصمیمات الزام‌آور جمعی، دشوار است. اگر بپذیریم که حکمرانی در دنیای پیچیده و ناپایداری تکامل می‌یابد که ترکیبات متغیر بازیگران، تخصص و جهان‌بینی‌های مختلفی را دربرمی‌گیرد، بعید است که ایجاد هماهنگی بتواند برای مدت طولانی بر قوانین پایدار تکیه کند. بنابراین قواعد حکمرانی به عنوان

مکانیسم‌های هماهنگ کننده، به طور مداوم در ارتباط با سایر تغییرات در جامعه در حال تغییر هستند (Van Assche, Beunen & Duineveld, 2013: 21).

ج. روش پژوهش

هر پژوهش شامل سه گام اصلی است: گردآوری داده‌ها، تحلیل داده‌ها و سپس ارائه پاسخ به پرسش‌های پژوهش. بنابراین می‌توان پژوهش را فعالیتی ساختارمند برای بررسی مسئله‌ای خاص که مستلزم راه‌حلی است، تعریف نمود (Torchiano, Fernández, Travassos & de Mello, 2017). کیفیت و اعتبار پژوهش از داده‌های آن آغاز می‌شود. پژوهشی که مبتنی بر داده‌های غنی، متقن و مرتبط صورت گیرد، بدیهی است که پژوهشی برجسته خواهد بود (ایمانی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۷۶).

۱. روش گردآوری داده‌ها

در تحقیق حاضر از دو منبع جهت گردآوری داده‌ها استفاده شده است: نخست برای گردآوری داده‌های مرتبط با پژوهش نظیر مبانی نظری و ادبیات نظری و احصای چالش‌ها و موانع حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران از روش کتابخانه‌ای (اسنادی) استفاده شد. برای این منظور با مطالعه و بررسی کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های مرتبط، ضمن تبیین بیشتر ابعاد موضوع پژوهش، در تحدید و تدقیق بیشتر آن تلاش شده است.

همچنین برای ارزیابی چالش‌ها و موانع حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران از شیوه نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند استفاده شده است. در این پژوهش پس از انجام نوزده مصاحبه با مسئولان، فعالان و متخصصان حوزه حکمرانی و سیاست‌گذاری عمومی و تکمیل پرسشنامه‌های تحلیل اهمیت- عملکرد با استفاده از طیف لیکرت پنج‌تایی، داده‌های پژوهش با اطمینان به اشباع نظری رسید و روایی و پایایی مورد انتظار پژوهش به‌خوبی تضمین و برآورده شد. در نتیجه حجم نمونه در این پژوهش نوزده می‌باشد.

با توجه به اینکه هدف این پژوهش ارزیابی چالش‌ها و موانع حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران بود، خبرگان باید به گونه‌ای انتخاب می‌شدند تا از طرفی جنبه اطلاعاتی و پشتیبانی نظری در زمینه چالش‌های حکمرانی را تأمین کنند و همچنین بر عملکرد جمهوری اسلامی ایران در این خصوص تسلط داشته و آشنا باشند. بر این اساس افراد مورد نظر پژوهش هم در دو گروه تقسیم می‌شوند: مسئولان دستگاه‌ها و نهادهای اجرایی کشور که در این زمینه مسئولیت دارند و نیز اندیشمندان و متخصصان این حوزه. در جدول زیر مشخصات این افراد بیان شده است:

جدول ۱. مشخصات خبرگان پژوهش

تعداد	مشخصات خبرگان پژوهش
۹	مسئولان دستگاه‌ها و نهادهای اجرایی کشور که در زمینه چالش‌ها و موانع حکمرانی آگاهی دارند
۱۰	اندیشمندان و متخصصانی که در زمینه چالش‌ها و موانع حکمرانی پژوهش می‌کنند

۲. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

تحلیل اهمیت- عملکرد برای اولین بار توسط مارتیلا و جیمز به عنوان ابزاری برای سنجش میزان رضایت مشتریان از یک محصول یا خدمات و همچنین تدوین سیاست‌هایی برای به حداکثر رساندن رضایت آن‌ها ارائه شد (Martilla & James, 1977). نتایج این روش به مدیران و سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا اولویت‌های بهبود وضع موجود را شناسایی کنند و منابع محدود را در قسمت‌هایی که بیشتر به آن‌ها نیاز است، تخصیص دهند (Azzopardi & Nash, 2013). مزیت کلیدی تحلیل اهمیت- عملکرد اثر هم‌افزایی آن در بررسی هم‌زمان نظرات خبرگان پیرامون اهمیت سیاست‌های مورد مطالعه و رضایت از عملکرد این سیاست‌ها در صحنه اجرایی است (ایمانی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۸۳).

این روش بدین صورت عمل می‌کند که پژوهشگر ابتدا مؤلفه‌ها یا سیاست‌هایی را که می‌خواهد مورد سنجش قرار دهد از مرور ادبیات نظری پژوهش یا مصاحبه به دست می‌آورد. در گام بعد محقق پرسشنامه دوجبهی را طراحی کرده که در آن خبرگان نظر خود را نسبت به هر سیاست، در دو بعد اهمیت و عملکرد در قالب نمراتی که می‌دهند مشخص می‌کنند. سپس

بعد از انجام تحلیل‌های ریاضی بر روی امتیازات به‌دست‌آمده، فاصله بین وضعیت مطلوب و وضعیت موجود از دریچه نگاه خبرگان مشخص می‌شود و در نهایت مبتنی بر نگرش‌های به‌دست‌آمده، سیاست‌گذاری در آن موضوع انجام می‌شود (قلی‌پور و رازینی، ۱۳۹۵). در مجموع می‌توان مراحل زیر را برای اجرای روش تحلیل اهمیت-عملکرد در نظر گرفت (Eskildsen & Kristensen, 2006):

۱. گام اول. در این مرحله میزان «اهمیت» (تأثیرگذاری) هر یک از موانع در کنار «عملکرد» جمهوری اسلامی ایران در خصوص رفع هر یک از موانع توسط خبرگان مشخص می‌شود. این میزان می‌تواند با استفاده از طیف لیکرت مشخص شود. با توجه به اینکه در این پژوهش از طیف لیکرت پنج‌تایی استفاده شده است، میزان اهمیت‌ها و عملکردهای هر یک از موانع اعدادی بین ۱ تا ۵ هستند که به ترتیب با b_{jp} و c_{jp} ($j=1,2,\dots,n$ و $p=1,2,\dots,n$) نشان داده می‌شوند.

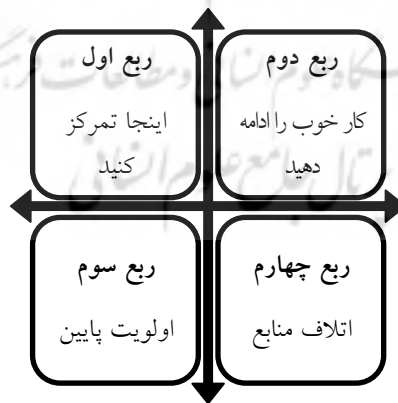
۲. گام دوم. با استفاده از میانگین هندسی، $b_j = \left(\prod_{i=1}^n b_{jp}\right)^{\frac{1}{n}}$ ارزش نهایی اهمیت نظرات همه خبرگان یکپارچه می‌شود. بدین ترتیب b_j ارزش نهایی اهمیت و $c_j = \left(\prod_{i=1}^n c_{jp}\right)^{\frac{1}{n}}$ ارزش نهایی عملکرد j -ام نامیده می‌شود که حاصل نظر جمعی p خبره است.

۳. گام سوم. ارزش آستانه جهت تعیین مختصات تقاطع خطوط ربعی ماتریس تحلیل اهمیت-عملکرد محاسبه می‌شود. به‌منظور تعیین ارزش آستانه از میانگین حسابی کل داده‌های مربوط به هر یک محورها استفاده می‌شود. ارزش آستانه اهمیت و ارزش آستانه عملکرد به ترتیب با μ_b و μ_c نمایش داده می‌شود و m تعداد موانع حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران است.

۴. گام چهارم. موقعیت نسبی هر یک از موانع بر روی ماتریس IPA مشخص می‌شود. ماتریس دو بعدی IPA، از دو محور X «عملکرد» و Y «اهمیت» تشکیل شده است و

دارای چهار ربع می‌باشد (Phadernrod, Crowder & Wills, 2019). پس از یافتن مختصات تقاطع خطوط ربعی در گام قبل، هر یک از موانع براساس امتیاز کسب‌شده در یکی از چهار ربع ماتریس قرار می‌گیرند (Oliver, 2010: 31-33):

- **ربع اول (اینجا تمرکز کنید):** موانع موجود در این ناحیه، اهمیت (تأثیرگذاری) زیاد دارند اما عملکرد جمهوری اسلامی ایران در رفع این موانع مناسب نیست. موانع موجود در این ناحیه در اولویت اول پروژه‌های بهبود قرار دارند و به توجه بیشتر نیازمند هستند.
- **ربع دوم (کار خوب را ادامه دهید):** موانع موجود در این ناحیه، اهمیت زیاد و عملکرد مناسبی دارند. این موانع نیازمند بهبود نیستند و اقدامات خود را باید حفظ و ادامه داد.
- **ربع سوم (اولویت پایین):** موانع موجود در این ناحیه، اهمیت کم و عملکرد پایینی دارند. در این ربع منابع به درستی به صورت محدود خرج می‌شود.
- **ربع چهارم (اتلاف منابع):** موانع موجود در این ناحیه، اهمیت کمی دارند اما عملکرد آنها بالاست. تلاش‌های فعلی برای رفع موانع موجود در این ناحیه غیرضروری و زائد است. به عبارت دیگر منابع اختصاص یافته برای این موانع بیش از مقدار مورد نیاز است و باید جای دیگری مصرف شوند.



شکل ۱. ماتریس تحلیل اهمیت-عملکرد

۵. گام پنجم. براساس ماتریس ترسیم شده می توان تصمیماتی را برای تغییر در تخصیص منابع و امکانات اتخاذ کرد. به عنوان مثال می توان برخی از منابع که برای رفع موانع موجود در ربع سوم و چهارم اختصاص پیدا می کند را برای رفع موانع موجود در ربع اول اختصاص داد؛ چراکه موانع موجود در ربع سوم و چهارم صرف نظر از عملکرد خوب یا ضعیفشان، از اهمیت کمتری برخوردار هستند.

د. یافته های پژوهش

۱. موانع حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران

محققان و پژوهشگران مختلف تلاش می کنند از منظرهای گوناگون چالش ها و موانع حکمرانی را تقسیم بندی کنند. به عنوان مثال سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در گزارش خود تلاش می کند چهار موضوع اصلی حکمرانی را مورد بحث قرار دهد: سیاست گذاری مبتنی بر شواهد، یکپارچگی در بخش عمومی، هماهنگی سیاست ها و برنامه ها در سطوح دولتی و پایداری مالی (OECD, 2009: 20). در ادامه تلاش می شود براساس تقسیم بندی ابعاد حکمرانی به «اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، اداری و حقوقی»، موانع موجود بر سر راه حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران تبیین شود:

۱-۱. موانع اجتماعی حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران

• بروز و گسترش جنبش های نوین اجتماعی: جنبش نوین اجتماعی، تلاشی است که گروه بزرگی از مردم برای دستیابی به یک هدف خاص (معمولاً یک هدف اجتماعی یا سیاسی)، به صورت سازمان دهی شده و آزادانه انجام می دهند (Theresa, 2020). به عبارت دیگر جنبش اجتماعی به این معنی است که گروهی از افراد به گونه ای سازمان یافته (خودآگاه یا ناخودآگاه) برای تغییر یا حتی حفظ برخی از عناصر جامعه تلاش کنند. با توجه به رشد بالای جمعیت در چند دهه اخیر، تأثیر بسزای ابزارهای ارتباط جمعی بر زندگی شهروندان ایرانی و وجود شکاف های فرهنگی، قومی، سیاسی، مذهبی، اقتصادی و اجتماعی در جامعه ایرانی (با خصلت های مخصوص به خود)، جنبش های اجتماعی مختلفی در ایران شکل

گرفته‌اند. یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های این جنبش‌ها، غیررسمی و ناآشکار بودن آن‌ها است. به بیان دیگر، در جامعه ایرانی شاهد خرده جنبش‌های درهم‌تنیده‌ای هستیم که اغلب سازمان‌دهی و چهارچوب مشخصی ندارند و در چنین فضایی بروز حوادث مختلفی، مانند مرگ یک سیاستمدار یا هنرمند مطرح، بروز یک سانحه طبیعی و اتفاقات غیرقابل‌پیش‌بینی هر کدام می‌توانند خرده جنبش‌های اجتماعی را در جامعه ایرانی فعال نمایند. در مجموع می‌توان گفت اهمیت پرداختن به این جنبش‌ها از این جهت است که همگام با گسترش روزافزون شبکه‌های اجتماعی، نقش‌آفرینی این جنبش‌ها نیز افزایش می‌یابد؛ به‌گونه‌ای که برخی از این جنبش‌های اجتماعی در مسائل سیاسی و امنیتی کشور ورود فعالی پیدا می‌کنند و در فرایند حکمرانی، خط‌مشی‌گذاری، اجرا و ارزیابی سیاست‌های کشور تأثیرگذار هستند. این امر موجب ایجاد اختلال در نظام حکمرانی کشور می‌شود.

• **کاهش سرمایه اجتماعی:** در ابتدای شروع کار دولت یازدهم جمهوری اسلامی ایران، تمام ظرفیت‌های رسانه‌ای، سیاسی و اجتماعی کشور بسیج شد تا مردم را به انصراف از دریافت یارانه تشویق کنند اما در کمال ناباوری و برخلاف اکثر پیش‌بینی‌ها، این تلاش‌ها بی‌فایده بود و تعداد اندکی از دریافت یارانه انصراف دادند. هرچند عوامل مختلفی در شکست این تلاش نقش داشتند و لزوماً دلیل عدم انصراف تنها به کمبود سرمایه اجتماعی مربوط نمی‌شد، اما به‌رحال این واقعه هشدار جدی به سیاست‌گذاران کشور بود تا به چالش سرمایه اجتماعی بپردازند. سرمایه اجتماعی مفهومی است که به روابط انسانی می‌پردازد و با اعتماد متقابل اجتماعی و هنجارهای مشترک جمعی ارتباط نزدیکی دارد. در یک تعریف کلی، می‌توان سرمایه اجتماعی را شبکه‌ای از روابط میان افرادی دانست که در جامعه‌ای خاص زندگی و کار می‌کنند و آن جامعه را قادر می‌سازد تا به‌طور مؤثر عمل کند. (Hellerstein & Neumark, 2020). سرمایه اجتماعی از دو وجه با عملکرد دولت^۱ در ارتباط است: کنشگری فعالانه خط‌مشی^۲ و کارایی اجرایی^۳. به این ترتیب که سرمایه

1. Government Performance
2. Policy Activism
3. Administrative Efficiency

اجتماعی می‌تواند از یک‌سو، سطح آزمون‌دگی سیاسی شهروندان را افزایش دهد و این امر به برطرف شدن مشکل کنش جمعی در درون یک جامعه کمک می‌کند. از سوی دیگر سرمایه اجتماعی بر سطح کارایی اجرایی دولت از راه تأثیراتش بر رفتار نخبگان بوروکراتیک اثر می‌گذارد. این امر به توانایی بوروکرات‌های دولتی برای اعتماد و همیاری مؤثر با یکدیگر میدان می‌دهد. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی، همکاری میان نخبگان بوروکراتیک یک دولت را افزایش داده و مشکل عاملیت در درون سازمان بوروکراتیک را برطرف می‌کند (Tavits, 2006). در مجموع می‌توان بیان داشت در صورتی که سرمایه اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران کاهش پیدا کند، حکمرانی کشور با چالش‌های متعددی روبه‌رو می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- کاهش مشارکت در سازمان‌های داوطلبانه و خیریه: یکی از مهم‌ترین چالش‌های حکمرانی متأثر از کاهش سرمایه اجتماعی، کم‌رنگ شدن حضور و کمک شهروندان در امور خیریه و داوطلبانه است. به عنوان مثال در صورتی که سرمایه اجتماعی در کشور کاهش یابد، میزان کمک‌های مردم به نهادهایی مانند کمیته امداد و بهزیستی کاهش پیدا می‌کند؛ حتی ممکن است در حوادث طبیعی مانند سیل و زلزله، کمک‌های مردمی و حضور داوطلبانه گروه‌های جهادی کم‌رنگ شود (Guillen, Coromina & Saris, 2011).

- کاهش پیوندها و معاشرت با خانواده و دوستان: یکی از مهم‌ترین خطرات کاهش سرمایه اجتماعی، کم‌رنگ شدن صله ارحام و نیز ضعیف شدن پیوندهای خانوادگی به‌عنوان کوچک‌ترین نهاد اجتماع است. این امر موجب افزایش آمار طلاق، کاهش تعداد فرزندان و نیز افزایش آسیب‌های روانی و اجتماعی در میان افراد جامعه می‌شود. افزایش اضطراب، پرخاشگری و عصیان و سوءظن از مهم‌ترین آسیب‌های روانی ناشی از کاهش سرمایه اجتماعی در جامعه است که می‌تواند آثار مخربی بر حکمرانی داشته باشد (Almedom, 2005).

- کاهش اعتماد به مسئولان و دولت: مراد از اعتماد به معنای ستون قراردادن دیگری در کاری یا امری است. از نظر آموزه‌های اسلام، اعتماد اجتماعی زمانی تحقق می‌یابد که قول با فعل افراد، مطابق بوده و فعل آنان گفتارشان را تصدیق و تأیید کند، اما اگر قول و

فعل مسئولان و نهادهای کشور مطابق هم نباشد، موجب بی‌اعتمادی اجتماعی می‌شود. یکی از مهم‌ترین چالش‌های حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران، ناکارآمدی و مطابق‌نبودن قول و فعل مسئولان در جامعه است که موجب ازبین‌رفتن سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی اعضای جامعه می‌شود (ابراهیم‌زاده و زارع، ۱۳۹۳). از همین‌رو در امور اجتماعی مانند قراردادن اشخاص در مسئولیت‌های سنگین چون امامت جمعه، قضاوت، وکالت یا ریاست یک جمع می‌بایست شرایط سخت‌گیرانه‌تری برای تحقق اعتماد اجتماعی فراهم باشد و بدون آزمون‌های سخت از آن اجتناب کرد و به سادگی به شخص یا اشخاص اعتماد نکرد. از این رو یکی از چالش‌های حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران، چگونگی حفظ و افزایش اعتماد عمومی به مسئولان و نهادهاست.

- کاهش مشارکت سیاسی: اعتبار نهادهای حاکمیتی، همانند مجلس شورای اسلامی و قوه مجریه، زمانی مخدوش می‌شود که قادر به پاسخگویی به نیازهای جامعه نباشند. در چنین حالتی، طبعاً نوعی سرخوردگی در دهک‌های مختلف اقتصادی، به‌خصوص دهک‌های پایین جامعه، نسبت به جایگاه این نهادها ایجاد می‌شود که یکی از خروجی‌های آن کاهش مشارکت در انتخابات است. به بیان دیگر یکی از مهم‌ترین چالش‌های حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران کاهش مشارکت سیاسی در انتخابات است که علت آن را می‌توان «اعتمادزدایی عمومی» نسبت به نهادهای حاکمیتی و «کاهش امید به تغییر» بر اساس مشاهده ناکارآمدی‌های اجرایی و نظارتی دانست (Klesner, 2007).

- **کاهش جمعیت و بسته‌شدن پنجره جمعیتی:** جمعیت به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت در جوامع مختلف همواره مورد توجه بوده است؛ به‌طوری‌که در طول تاریخ زندگی بشر، قبایل و ملت‌هایی که جمعیت بیشتر و جوان داشته‌اند، قدرتمندتر محسوب می‌شدند. هرچند این چالش ربط مستقیمی به نظام حکمرانی کشور ندارد، اما اگر به این حقیقت توجه کنیم که پنجره جمعیتی کشور نهایتاً ۲۰ سال دیگر بسته می‌شود و کشور با جمعیتی پیر و غالباً غیرفعال مواجه خواهد شد، به این نتیجه می‌رسیم که نظام حکمرانی کشور نهایتاً ۲۰ سال فرصت دارد که با استفاده از امکانات موجود کشور، ثروت عظیم اقتصادی و

فناورانه ایجاد نماید تا بتواند بار عظیم هزینه تأمین اجتماعی و خدمات درمانی که به علت پیری و بازنشستگی بخش اعظمی از جمعیت کشور به وجود خواهد آمد را تأمین نماید (فولادی، ۱۳۹۸).

۲-۱. موانع سیاسی حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران

- **ضعف احزاب و گروه‌های سیاسی:** در جهان امروز، احزاب سیاسی تقریباً به بخش عمده‌ای از سیاست هر کشوری تبدیل شده‌اند. نقش اصلی احزاب سیاسی تنظیم دستور کار و خط‌مشی‌های سیاسی است. بنابراین، هر یک از احزاب با ادعای اینکه از خط‌مشی‌هایی بهتر از سایر احزاب برخوردارند، سعی می‌کنند مردم را متقاعد کنند. احزاب سیاسی افکار عمومی را شکل می‌دهند و با کمک گروه‌های فشار، جنبش‌هایی را برای حل مشکلات مردم راه‌اندازی می‌کنند (Fjelde, 2020). همچنین احزاب سیاسی به عنوان رابط میان شهروندان و مقامات دولتی عمل می‌کنند. در جمهوری اسلامی ایران، این واسطه میان مردم و حاکمیت، به درستی و متناسب با شرایط سیاسی-اجتماعی جامعه ایران، شکل نگرفته و ناقص مانده است؛ واسطه‌ای که خود عامل تنظیم بسیاری از روابط سیاسی-اجتماعی و رشد و حرکت جامعه است (Slothuus & Bisgaard, 2021). گرچه در ایران، دو جناح سیاسی اصولگرا و اصلاح‌طلب در عرصه سیاسی حضور و فعالیت دارند، ولیکن این حضور و فعالیت، بدون چارچوب و اسلوب گفتمانی مشخص است؛ حتی تعریف مشخصی از اصولگرایی و اصلاح‌طلبی نمی‌توان ارائه نمود. اهداف، دیدگاه‌ها، برنامه‌ها، مسیر و اصول عملیاتی و... هیچ‌یک، به‌طور دقیق مشخص نیست و هر از چندگاهی برنامه‌ها و اهداف هر جناح توسط جناح رقیب بیان می‌گردد. این امر سبب می‌شود حکمرانی کشور از وجود نهادی مانند احزاب محروم بوده و نقش‌ها و مسئولیت‌های احزاب سیاسی را یک‌تنه برعهده بگیرد.
- **عوام‌گرایی سیاسی:** عوام‌گرایی یا پوپولیسم به رفتاری گفته می‌شود که «مردم» را به عنوان نیروی اخلاقی خوب معرفی می‌کند و آن‌ها را در مقابل «نخبگان» که فاسد و خودخواه معرفی می‌شوند، قرار می‌دهد (Rewizorski, 2019). نامزدهای انتخاباتی یا هر کسی که

خود را در معرض قضاوت مردم می‌بیند، هنگامی که مستقیم با جامعه مواجه می‌شوند، معمولاً تنها به فکر بالابردن میزان محبوبیت خود خواهند بود. برای رأی‌آوری به تصمیم‌های کوتاه‌مدت مردم‌پسند مراجعه می‌کنند و از اهداف و منافع بلندمدت ملی برای رأی‌آوری، گذشته و تنها اهداف کوتاه‌مدت را برای تصمیم‌گیری مدنظر قرار می‌دهند (سمیعی اصفهانی، ۱۳۹۸). در معرض قضاوت مردم‌بودن همان‌قدر که می‌تواند نیروی محرکی قوی برای فعالیت کارگزاران کشور باشد، ممکن است انگیزه آن‌ها برای اتخاذ تصمیمات سخت را تحت‌الشعاع قرار دهد.

• **عدم جانشین‌پروری مناسب:** الگوی حکمرانی موفق، برنامه‌ها و اهداف بلندمدت را مدنظر خود قرار می‌دهد؛ دائماً در پی کادرسازی و کادرپروری کارآمد و متخصص هست تا با افزایش کارآمدی و تخصص افراد، از نظر نیروی انسانی متخصص در مضیقه نبوده و هم با تخصص‌گرایی، کارآمدی سیاسی خود را افزایش داده و از این طریق حکمرانی مطلوبی اعمال شود (ذاکری، اسدی و لطفی، ۱۳۹۵). به عبارت دیگر در حکمرانی مطلوب، با اتمام مأموریت افراد، مثل بازنشستگی یا فوت، با مشکل عدم وجود نیروی انسانی جایگزین مواجه نبوده و جانشین مناسب و کارآمد دیگر، جایگزین خواهد شد. به نظر می‌رسد یکی از چالش‌هایی که امروز در کشور با آن مواجه هستیم و بارها مورد تأکید مقام معظم رهبری نیز بوده است، عدم توجه به جوان‌گرایی و جانشین‌پروری است.

• **کژکارکردی نظام انتخاباتی:** انتخابات به‌عنوان یک تکنولوژی سیاسی نوین جهت انتقال صلح‌آمیز قدرت و مکانیسمی برای شایسته‌گزینی به شمار می‌آید که پس از انقلاب اسلامی، مورد تأکید امام خمینی^(ره) و مقام معظم رهبری^(مدظله) بوده است. با توجه به نتایج شگرف سیاسی و اجتماعی انتخابات در کشور، لازم است به برخی کژکارکردی‌ها که در طول سال‌های گذشته نظام انتخاباتی کشور با آن مواجه بوده است، توجه نماییم:

- وعده‌های انتخاباتی: وعده‌های انتخاباتی بخش جدایی‌ناپذیر یک انتخابات هستند. دموکراسی‌های مدرن بدون انتخابات وجهی ندارند و انتخابات نیز بدون وعده، هویتی ندارند. کژکارکردی وعده‌های انتخاباتی زمانی نمایان می‌شود که اولاً این وعده‌ها عمر چندانی نداشته و به همان سرعتی که خلق شدند با اتمام فرایند انتخابات به تدریج

محو می‌شوند؛ ثانیاً رجال سیاسی معمولاً میان نتایج^۱ و خروجی‌های وعده‌های خود مغالطه عمدی یا سهوی می‌کنند. نتایج آن چیزی است که یک فرایند می‌خواهد (یا باید) به آن دست یابد اما خروجی‌ها اقدامات یا مواردی هستند که به دستیابی به یک نتیجه کمک می‌کنند. هنگامی که خط‌مشی‌گذار یا مسئول سیاسی به‌گونه‌ای گزارش می‌دهد که مثلاً «در دو سال گذشته فلان کیلومتر جاده کشیده است» در واقع در حال تبیین تحقق خروجی‌هاست؛ نه نتایج؛ چراکه به این سؤالات که «آیا هزینه‌های حمل‌ونقل در کشور پایین آمده است؟» پاسخی ارائه نکرده است. بنابراین از خط‌مشی‌گذار انتظار می‌رود که نتایج را اعلام کند، اما از آن‌جایی که دست‌مدیر مربوط از نتایج تهی است، خروجی را به جای نتایج می‌نشانند. بنابراین، خطرناک‌تر از وعده‌هایی که کاملاً فراموش شده‌اند، وعده‌هایی هستند که با اعداد و ارقام خروجی‌ها، مردم را فریب می‌دهند و رأی‌دهندگان گمان می‌برند که وعده‌ها محقق شده است.

- مشارکت سیاسی: گره‌زدن مشروعیت نظام به مشارکت بالای مردم نشان از مردم‌گرایی و توجه ویژه جمهوری اسلامی به جایگاه مردم است اما به نظر می‌رسد لازم است تفکیکی بین مشارکت، مقبولیت و مشروعیت قائل شویم؛ چراکه در بسیاری از کشورهای دنیا مشارکت پایین مردم در انتخابات لزوماً به عدم مشروعیت نظام سیاسی حاکم تفسیر نمی‌شود (اطاعت، ۱۳۹۹).

- تشدید شکاف‌های گفتمانی، اجتماعی و هویتی: با توجه به تنوع فرهنگی، اجتماعی و مذهبی در جمهوری اسلامی ایران، بعضاً انتخابات به دلیل ایجاد فضاهاى دوقطبی بعضاً رادیکال، به تشدید و گسترش شکاف‌های اجتماعی منجر شده و رقابت‌های انتخاباتی فرصتی برای جریان‌های معاند بیگانه جهت ایفای نقش مخرب فراهم می‌نماید. متأسفانه تقریباً در همه انتخابات‌ها شاهد استفاده کاندیدها از گسل‌های اجتماعی و هویتی به منظور جلب توجه هرچه بیشتر آرای مردمی هستیم که نیازمند دقت نظر مسئولان امر می‌باشد.

1. outcomes

2. outputs

- رشد انتظارات مردمی: تلاش برای جذب آرای مردمی در دوران رقابت‌های انتخاباتی که در قالب شعارها و قول و قرارهای بعضاً غیراصولی کاندیداها مطرح می‌گردد، به افزایش انتظارات مردم منجر می‌شود. این امر در انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا و انتخابات مجلس شورای اسلامی پررنگ‌تر خود را نشان می‌دهد.

• **ضعف وجود دولت عمیق در کشور:** در کشورهای قدرتمند دنیا، گفتمان فعال در عرصه سیاسی و دارای برنامه بلندمدت در شبکه قدرت دولتی، به طور نامحسوس شبکه ثانویه قدرتی ایجاد می‌کند که از طریق آن دولت عمیق، دولت‌ها را در مسیر برنامه بلندمدت خود، که حافظ منافع و گفتمان نظام سیاسی حاکم است، همراه می‌کنند. این شبکه قدرت، برنامه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی دولت و جامعه را تحت تأثیر قرار داده و از تلاطم تغییر سیاست‌ها در اثنای تغییر دولت‌ها، تا حد قابل قبولی جلوگیری می‌کند. شکی نیست که جمهوری اسلامی ایران در طول چهل سال گذشته سیاست‌های کلی ثابتی داشته است که نشان از وجود دولت و سیاست عمیق در کشور است اما به نظر می‌رسد دولت عمیق در ایران ریشه‌دار و سیستمی نیست؛ چراکه در برخی موارد تعویض دولت‌ها منجر به تغییر در رویه‌های کلان کشور شده که در سیاست خارجی، اقتصاد و فرهنگ نمود بیشتری داشته است. این امر موجب تحمیل هزینه‌های مالی و نیروی انسانی به نظام سیاسی می‌شود.

• **نقش‌آفرینی نهادهای بین‌المللی و شرکت‌های چندملیتی:** با توجه به پیدایش رسانه‌های نوین، سهولت هرچه بیشتر ارتباطات، ظهور سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و عوامل متعدد دیگر در عصر جدید، حکمرانی ملی با چالش‌های فراوانی روبه‌رو شده است. فارغ از هر نگاهی نسبت به مسئله جهانی شدن، آنچه مسلم است، نقش‌آفرینی روزافزون نهادهای بین‌المللی و شرکت‌های چندملیتی و همچنین کمرنگ‌شدن محدودیت‌های ارتباطی بین ملت‌هاست که تأثیر به‌سزایی در حکمرانی دارد. امروزه از یک‌سو با رشد تعاملات بین‌المللی در عرصه جهانی مخصوصاً در عرصه سیاسی و از سوی دیگر با رشد شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی فرامرزی، مانند گوگل، ماکروسافت و... عملاً اطلاق قدرت بلامنازع دولت به معنای سنتی آن در علوم سیاسی، کمرنگ شده و این نهادها در حیطه‌هایی که در ۵۰ سال گذشته تنها در اختیار دولت بوده، دخالت و اعمال تصمیم می‌کنند (Chen, 2021).

این مانع تنها حکمرانی ملی جمهوری اسلامی ایران را تهدید نمی‌کند، بلکه کمابیش در همه جای دنیا احساس می‌شود اما با توجه به گفتمان انقلاب اسلامی که در تقابل با بسیاری از ارزش‌های نظام لیبرالیسم و سرمایه‌داری است، ایجاد توازن و مدیریت این چالش‌ها بسیار جدی‌تر به نظر می‌رسد.

۲. موانع اقتصادی حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران

دولت‌های مرکزی و محلی به منظور حصول اطمینان از مصرف منابع کمیاب در مسیرهایی که بیشترین منافع را به همراه دارد، باید سیاست‌ها و برنامه‌های دقیقی تنظیم نمایند. کاهش مخارج دولت برای ایجاد تعادل در بودجه، تلاش‌های بانک مرکزی برای تحریک اقتصاد را با مشکل مواجه می‌کند. در حال حاضر، چالش‌های اقتصادی کسری بودجه کشور را افزایش داده است. در این وضعیت، درآمدهای مالیاتی به دلیل کاهش فعالیت‌های اقتصادی به شدت کاهش می‌یابد؛ در حالی که هزینه‌ها به دلیل تقاضای بیشتر برای خدمات رفاهی افزایش می‌یابد (OECD, 2009: 25). براین اساس مهم‌ترین موانع اقتصادی حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از:

- **اقتصاد متکی به نفت:** نفت یک سرمایه گران‌بهاست که در احاطه دو رویکرد غلط قرار دارد. رویکرد اول آن است که منابع به‌دست‌آمده حاصل از فروش نفت، در محل بودجه جاری کشور مصرف می‌شود. در این رویکرد، دولت با بی‌نیاز شدن از منابعی همچون مالیات، توجه چندانی به اصلاح ساختارهای اقتصادی کشور نمی‌کند و اقتصاد نفتی، فرهنگ و جامعه‌شناسی اقتصادی کشور را دچار اختلال جدی می‌نماید. لذا باید توجه داشت که اقتصاد بدون نفت به معنای نادیده‌گرفتن ثروت نفتی کشور نیست، بلکه به این معنا است که باید وابستگی بودجه جاری کشور به نفت را کاهش دهیم و منابع به‌دست‌آمده از فروش نفت به صورت مناسبی استفاده شود. رویکرد دیگر نیز کنار گذاشتن این منابع خدادادی است؛ درحالی‌که این منبع الهی از نظر اقتصادی ارزش افزوده بسیار بالایی دارد و با هیچ صنعت دیگری قابل مقایسه نیست. توجه ویژه و سرمایه‌گذاری عظیم بسیاری از کشورهای جهان نظیر آمریکا، چین و روسیه در منابع نفتی،

نشان‌دهنده ارزش این صنعت است. بدین ترتیب نباید با تحلیل‌های غلط، سرمایه‌گذاری در توسعه صنعت نفت را کنار بگذاریم. هرچند رویکرد ما نسبت به نفت نباید خام‌فروشی باشد، بلکه هم‌زمان با سرمایه‌گذاری برای افزایش اکتشاف و تولید، باید تکمیل زنجیره صنعت نفت در دستور کار قرار بگیرد چراکه فرآورده‌های پالایشی و پتروشیمی ضمن داشتن ارزش افزوده بیشتر، غیرقابل تحریم نیز هستند.

- **مسئله خصوصی‌سازی و رقابت‌پذیری:** براساس سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی دولت‌ها مأمور به کاهش تصدی‌گری، ممانعت از مداخلات بازار و تسهیل در ایجاد شرایط رقابتی در فضای کسب‌وکار هستند. با این حال آخرین آمار نشان می‌دهد که سهم بخش دولتی هنوز بسیار فربه‌تر از چیزی است که انتظار آن می‌رود. به عبارت دیگر، در جمهوری اسلامی ایران بعضاً شاهدیم دولت‌ها به‌مثابه بازیگر اقتصادی که هم‌زمان داور مسابقه نیز هست، فعالیت می‌کند. در حالی که سیاست‌های کلی کشور را به طرف خصوصی‌سازی‌های عادلانه دعوت می‌کند، اما به دلیل وابستگی فکری به نهاد دولت و ناآشنایی با راهکارهایی که به کارآمدی خصوصی‌سازی منجر شود، در اجرای این سیاست‌های شکست خورده‌ایم.
- **تحریم و شرطی‌شدن اقتصاد:** یکی از مشکلات جمهوری اسلامی ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مسئله تحریم‌های اقتصادی است. همکاری‌های بین‌المللی، در همه کشورها از عوامل مهم رشد اقتصادی است که به دلیل عداوت نظام سلطه، از طریق تحریم‌های اقتصادی، موانع دشواری در مسیر این همکاری‌ها قرار گرفته است و ایران را حتی در رابطه با کشورهای هم‌پیمان مانند کشورهای اسلامی، دچار مشکل ساخته است. از سوی دیگر هرگونه تلاش جدی برای رفع تحریم‌ها نیز منجر به شرطی‌شدن اقتصاد و رکود ناشی از آن می‌شود که علاوه بر آسیب‌های داخلی، قدرت چانه‌زنی تیم‌های مذاکره‌کننده را نیز کاهش می‌دهد.
- **نظام بودجه‌ریزی معیوب:** مسئله اساسی بودجه‌ریزی، چگونگی اولویت‌بندی منابع و فعالیت‌ها به هنگام وجود محدودیت‌هاست و این محدودیت‌ها در ایران با توجه به کاهش قابل توجه درآمدهای دولت در سال‌های اخیر که ناشی از کاهش شدید فروش نفت است، به چالشی جدی برای کشور تبدیل شده است. در واقع تحریم‌ها و کاهش درآمدهای دولت منجر به آشکارشدن عیوب نظام بودجه‌ریزی در کشور شده است. نظام بودجه‌ریزی

در کشور چالش‌های فراوانی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: عدم اتکای بودجه به درآمدهای پایدار و حاصل از فعالیت‌های مولد؛ وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی، کسری بودجه و عدم نظارت مناسب بر نحوه هزینه‌کرد بودجه.

۳. موانع اداری حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران

مدیریت مؤثر روابط دولت به صورت افقی (در میان وزارت‌خانه‌ها) و عمودی (در سلسله مراتب اداری) مستلزم کاهش یک سری از چالش‌ها است. توجه به این شکاف‌ها یکی از چالش‌های اصلی حکمرانی در کشور است. کشورها ممکن است هر شکافی را کم‌وبیش تجربه کنند، اما با توجه به وابستگی متقابل ناشی از پویایی شبکه‌ای این شکاف‌ها، کشورها معمولاً همزمان با آن‌ها مواجه می‌شوند (OECD, 2009: 25-26). این چالش‌ها عبارت‌اند از:

- **فساد اداری:** فساد نوعی عدم صداقت یا جرم جنایی است که توسط شخص یا سازمانی که اقتداری به او واگذار شده است، به منظور کسب منافع نامشروع یا سوءاستفاده از قدرت برای منافع شخصی انجام می‌شود (Ewulum, 2021). فساد اداری هم چالش حکمرانی است و هم چالشی برای حکمرانی، چراکه از یک سو این معضل خود برآمده از چالش‌های دیگر حکمرانی نظیر عدم وجود شفافیت، تورم قوانین، اقتصاد نفتی و ... است و از سوی دیگر این مسئله به قدری جدی است که تقریباً بر تمام چالش‌های حکمرانی در کشور اثرگذار است. طبق آمار «سازمان شفافیت بین‌الملل»، شاخص جهانی فساد اداری- مالی در سال ۲۰۱۸ میلادی اعلام شده است که طبق این آمار، دانمارک و نیوزیلند با دریافت به ترتیب ۸۸ و ۸۷ امتیاز در رأس کشورهای با کمترین فساد قرار دارند و سومالی، سوریه و سودان جنوبی در رده پایین‌ترین جایگاه از نظر میزان فساد هستند و متأسفانه در این فهرست ایران با امتیاز ۲۸ در رتبه ۱۳۸ جهان قرار دارد. مطابق این آمار شاخص فساد در کشور ما، نزدیک به کشورهای قرار گرفته است که وضعیتی جنگ‌زده، ناامن و فوق‌العاده دارند و لذا چنین آمارهای برای کشور ما اصلاً قابل قبول نیست. استناد به این آمار لزوماً به معنای قبول کامل معیارهای سنجش، رتبه‌بندی و مبانی نظری به کاررفته در این پژوهش آمار نیست اما به هر حال وجود فساد اداری در کشور یکی از موانع حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران است.

- **کم‌رنگ‌بودن شفافیت:** مفهوم دولت باز^۱ بر این باور است که شهروندان حق دسترسی به اسناد و اقدامات دولت را دارند تا امکان نظارت عمومی مؤثر را فراهم کنند (Kudo, 2019). مفهوم دولت باز از نظر دامنه گسترده است، اما اغلب با ایده‌های شفافیت و پاسخگویی دولت مرتبط است. شفافیت اغلب باعث ایجاد پاسخگویی دولت، کاهش فساد دولتی، رشوه‌خواری و سایر تخلفات می‌شود. اگرچه تلاش‌های ارزشمندی در برنامه‌های توسعه برای ایجاد تحول در نظام اداری لحاظ شده است اما به دلیل نداشتن پیوستار منطقی با دیگر اجزای سیستمی و نبود نظام جامع ثبت اطلاعات به دلیل عدم شفافیت، دچار مشکل شده است.
- **وجود نهادهای موازی:** متأسفانه یکی از معضلات اساسی نظام اداری-سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، وجود نهادهای متعدد، با کارویژه‌هایی مشابه یا با همپوشانی بالاست که معمولاً در راه رسیدن به اهداف خود، بعضاً استراتژی‌های متفاوت و حتی بعضاً کاملاً در تضاد و مخل یکدیگر اتخاذ می‌کنند. باید توجه داشت که وجود نهادهای موازی لزوماً همیشه آسیب‌زا نیست اما به هر حال در صورت عدم یکپارچگی در سیاست‌گذاری ممکن است منجر به بروز چالش‌هایی در نظام حکمرانی کشور شود. به عنوان مثال حدود ۳۰ نهاد مختلف در کشور متولی امور فرهنگی شمرده شده و حضور فعال در این عرصه دارند؛ نهادهایی مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات، وزارت ورزش و جوانان و حتی شهرداری‌ها. مسئله مهم‌تر عدم همسویی در مسیر حرکت فرهنگی و اختلاف فاحش در رویکردهای فرهنگی بین این نهادهاست که بعضاً برنامه‌های هریک، از سوی نهاد دیگر حتی ضدفرهنگی نیز شناخته می‌شود. در مجموع می‌توان گفت این پدیده حکمرانی مؤثر در کشور را با مشکل مواجه کرده است.
- **ضعف در نظام برنامه‌ریزی:** یکی از مشکلات جدی نظام سیاست‌گذاری و اداری کشور در طول ۴۰ سال گذشته، عدم وجود نگاه راهبردی و بلندمدت در بدنه دولت‌هاست؛ چراکه چالش‌های تحمیلی بر کشور طی ۴۰ سال گذشته افق فکری مدیران کشور را

محدود نموده و آن‌ها را وادار به حل مشکلات کوتاه‌مدت و روزمره ساخته است. از سوی دیگر در طول سالیان گذشته، دولت‌های مختلف سیاست‌هایی اتخاذ کرده‌اند که بعضاً با مبانی انقلاب اسلامی یا سیاست‌های قبلی در تعارض یا حتی تضاد بوده است. مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۹ به این مهم اشاره نموده و فرمودند:

بدون نقشه جامع، دچار سردرگمی خواهیم شد؛ همچنان‌که در طول این ۳۰ سال، به حرکت‌های هفت و هشتی، بی‌هدف و زیگزاگ مبتلا بودیم و به این در و آن در زدیم. گاهی یک حرکتی را انجام دادیم، بعد گاهی ضد آن حرکت و متناقض با آن را -هم در زمینه فرهنگ، هم در زمینه اقتصاد و در زمینه‌های گوناگون- انجام دادیم! این به‌خاطر این است که یک نقشه جامع وجود نداشته است. این الگو، نقشه جامع است؛ به ما می‌گوید که به کدام طرف، به کدام سمت، برای کدام هدف داریم حرکت می‌کنیم (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹).

به نظر می‌رسد در سالیان اخیر نیز تفاوت‌چندانی از این منظر ایجاد نشده است و این تذکر مقام معظم رهبری شامل وضعیت حکمرانی کنونی جمهوری اسلامی ایران نیز می‌شود.

- **تمرکزگرایی:** با توجه به تنوع فرهنگی و جغرافیایی کشور، ساختار و نظام متمرکز اداری، سیاسی و اقتصادی یکی از چالش‌هایی است که نظام حکمرانی با آن مواجه است. در این ساختار، سیاست‌گذاری‌ها و تصمیمات اصلی کشور و فرصت‌های شغلی، رفاهی و آموزشی بیشتر در پایتخت و به میزان محدودتری در مراکز استان‌ها متمرکز است و سایر مناطق بهره کمتری از فرصت‌ها و امکانات کشور می‌برند.

- **ضعف دولت الکترونیک:** رشد فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی تأثیر به‌سزایی در شیوه‌های حکمرانی برجای گذاشته است که از مهم‌ترین این تأثیرات، تغییر در شیوه و نحوه تعامل دولت‌ها و شهروندان است. از همین رو بسیاری از دولت‌های جهان برای توسعه دولت الکترونیک سرمایه‌گذاری می‌کنند تا با استفاده از آن ضمن کاهش هزینه‌های دولتی، کیفیت خدمت‌رسانی به شهروندان را نیز ارتقا ببخشند و نظام اداری کارآمدتری داشته باشند (Brown, 2005). بدین ترتیب دولت الکترونیک با استفاده از فناوری‌های نوین، موجب افزایش شفافیت، جلوگیری از بروز فساد، جلوگیری از تصمیمات سلیقه‌ای، افزایش سرعت و دقت خدمت‌رسانی و نظارت هوشمند بر عملکردها و فرایندهای اداری می‌شود (Ogura, 2006). با

توجه به تکمیل‌نشدن پروژه دولت الکترونیک در کشور، جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند از این کاربردها بهره‌مند شود و حکمرانی کشور با موانع متعددی روبه‌رو می‌شود.

- **بی‌عملی و کم‌کاری مدیران:** تشدید نظارت غیرهوشمند، خشک و بعضاً سلیقه‌ای از یک سو و عدم ارزیابی مناسب عملکرد مدیران از سوی دیگر آن‌ها را به سوی بی‌عملی هدایت می‌کند؛ به این معنی که برخی مدیران کشور در هر سطحی برای جلوگیری از گرفتارشدن در سیستم دستگاه‌های نظارتی مختلف، تصمیم می‌گیرند تا جایی که می‌توانند کار نکنند. باید توجه داشت که راهکار جلوگیری از این آسیب کاهش نظارت‌ها نیست، بلکه راهکار نظارت هوشمند و ارزیابی مداوم عملکرد مدیران است.

۴. موانع حقوقی حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران

- **تورم قوانین:** یکی از چالش‌های نظام حکمرانی کشور، چالش تورم قوانین است؛ به طوری که ناظر به یک مسئله یا فرایند، قوانین متعددی وجود دارد و این تورم قوانین نه تنها برای مجریان دست‌وپاگیر است بلکه می‌تواند در مواقع لزوم دستاویزی برای فساد و گریز از شفافیت باشد. بررسی حجم قوانین کشور از آغاز مشروطیت تا زمان حال، تورم قوانین را ثابت می‌کند؛ چراکه هر ساله حجم زیادی از قوانین و مقررات در مجلس شورای اسلامی، هیئت دولت و سایر دستگاه‌های کشور تصویب می‌شوند اما قوانین منسوخ و قدیمی اغلب باقی می‌مانند. باید توجه داشت که ریشه تورم قوانین در ایران تنها مربوط به قوه مقننه نیست بلکه حجم بالای آیین‌نامه‌های اجرایی در دستگاه‌های مختلف نشان‌دهنده همه‌گیری این معضل و چالش است.
- **وجود قوانین خاکستری (گرد):** به قوانینی که امکان تبدیل آن‌ها به کد کامپیوتری وجود ندارد و الگوریتم مشخصی ندارند، قوانین گرد یا خاکستری گفته می‌شود که این گونه قوانین به تفسیر انسانی نیاز دارند و ممکن است برداشت‌های مختلفی از آن‌ها بشود. وجود چنین قوانینی در کشور مخصوصاً در حوزه اقتصاد منجر به بروز فساد و به وجود آمدن امضاهای طلایی شده است. در این شرایط ممکن است یک کارشناس نسبت به یک مجوز نظر مثبت

داشته باشد و کارشناس دیگر نسبت به همان مجوز نظر منفی داشته باشد. در این صورت، ذی‌نفعان قانون دچار سردرگمی شده و نظام حکمرانی کشور دچار اختلال می‌شود.

- **نظارت پیشینی و بحران صدور مجوز:** یکی از چالش‌های حقوقی که حکمرانی مناسب در کشور را دچار مشکل نموده است، نظارت‌های پیشینی به جای نظارت پسینی است. نظارت پیشینی یعنی افراد قبل از آغاز هرکاری نیازمند دریافت مجوز باشند و بدون دریافت مجوزهای مختلف از نهادهای متعدد فعالیت آن‌ها غیرقانونی محسوب می‌شود. این فرایند در کشور بعضاً بسیار طولانی، مبهم و فسادزاست و یکی از عوامل به وجود آمدن امضاهای طلایی شده است. این در حالی است که در بسیاری از کشورهای دنیا نظارت پسینی جایگزین نظارت پیشینی شده است؛ به این صورت که صلاحیت‌های مورد نیاز و قواعد مربوط به هر فعالیت اعلام می‌شود و افراد موظف هستند مطابق این صلاحیت‌ها، قواعد و استانداردها فعالیت مورد نظر خود را آغاز کنند و نیازی به دریافت مجوز ندارند اما اگر بدون داشتن صلاحیت‌های اعلام‌شده و بدون نظر گرفتن قواعد و استانداردهای موجود عمل کنند، مجازات سنگینی در انتظارشان است. لازم به ذکر است که در نظارت پیشینی، فرد نظارت را ناظر به صدور مجوز می‌داند ولی در نظارت پسینی فرد در هر لحظه‌ای خود را در معرض ارزیابی می‌داند. بنابراین یکی از مهم‌ترین معضلات حکمرانی در کشور، نظارت پیشینی و بحران صدور مجوزها است.

۵. اولویت‌بندی موانع حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران

همچنان که گذشت، نظام حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران با چالش‌ها و موانع متعددی روبه‌رو است؛ لذا ضرورت دارد ابتدا میزان اهمیت (تأثیرگذاری) هر یک از این موانع در حکمرانی جمهوری اسلامی ایران احصا شود و سپس میزان عملکرد جمهوری اسلامی ایران برای رفع این موانع مورد ارزیابی قرار گیرد و در نهایت نسبت به اولویت‌بندی این موانع و ارائه راهبردهایی به‌منظور بهبود وضعیت اقدام شود. برای این منظور پس از جمع‌آوری نظرات نوزده نفر از خبرگان حوزه حکمرانی و سیاست‌گذاری عمومی و تعیین نمرات مربوط به ارزش اهمیت و عملکرد هر یک از موانع این حوزه، از میانگین هندسی برای یکپارچه‌سازی

نظرات همه خبرگان استفاده شد. جدول زیر نشان‌دهنده نمرات نهایی محاسبه‌شده برای هر یک از موانع در دو بعد اهمیت و عملکرد با توجه به نظرات خبرگان است.

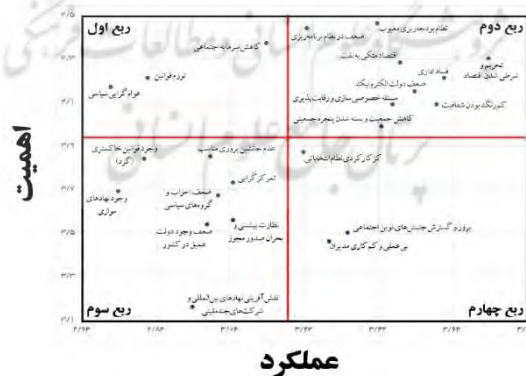
جدول ۲. میانگین امتیازات موانع در ابعاد اهمیت و عملکرد

شکاف	عملکرد		اهمیت		موانع
	رتبه	میانگین	رتبه	میانگین	
۰/۱۴	۹	۳/۳۶	۲۱	۳/۵۰	موانع اجتماعی
۱/۲۳	۱۳	۳/۱۴	۳	۴/۳۷	
۰/۵۴	۷	۳/۴۵	۱۲	۳/۹۹	
۰/۶۶	۱۶	۳/۰۱	۱۸	۳/۶۷	موانع سیاسی
۱/۴۵	۲۳	۲/۷۲	۸	۴/۱۷	
۰/۸۶	۱۷	۲/۹۹	۱۴	۳/۸۵	
۰/۶۳	۱۲	۳/۲۴	۱۳	۳/۸۷	
۰/۵۶	۱۸	۲/۹۸	۲۰	۳/۵۴	
۰/۲۲	۱۹	۲/۹۴	۲۳	۳/۱۶	موانع اقتصادی
۰/۷۸	۵	۳/۵۰	۵	۴/۲۸	
۰/۶۱	۶	۳/۴۸	۱۱	۴/۰۹	
۰/۵۶	۱	۳/۷۴	۴	۴/۳۰	
۱/۰۲	۸	۳/۴۴	۱	۴/۴۶	موانع اداری
۰/۵۹	۲	۳/۶۲	۷	۴/۲۱	
۰/۴۹	۳	۳/۶۰	۱۰	۴/۰۹	
۰/۹۵	۲۲	۲/۷۴	۱۷	۳/۶۹	
۱/۱۹	۱۱	۳/۲۵	۲	۴/۴۴	
۰/۶۸	۱۴	۳/۰۵	۱۶	۳/۷۳	
۰/۶۱	۴	۳/۵۴	۹	۴/۱۵	
۰/۱۵	۱۰	۳/۳۱	۲۲	۳/۴۶	
۱/۳۹	۲۰	۲/۸۲	۶	۴/۲۱	موانع حقوقی
۱/۰۳	۲۱	۲/۸۱	۱۵	۳/۸۴	
۰/۵۱	۱۵	۳/۰۵	۱۹	۳/۵۶	
	۳/۲۰		۳/۹۳		میانگین

بر اساس یافته‌های پژوهش و اطلاعات مندرج در جدول ۲، مانع «نظام بودجه‌ریزی معیوب» در بعد «اهمیت» با میانگین امتیاز ۴/۴۶ بیشترین اهمیت را دارد. سپس موانع «ضعف در نظام برنامه‌ریزی»، «کاهش سرمایه اجتماعی»، «تحریم و شرطی شدن اقتصاد»، «اقتصاد متکی به نفت»، «تورم قوانین»، «فساد اداری» و «عوام‌گرایی سیاسی» به ترتیب از اهمیت کمتری برخوردار هستند. این در حالی است که در بعد «عملکرد»، مانع «تحریم و شرطی شدن اقتصاد» با میانگین امتیاز ۳/۷۴ بیشترین عملکرد را دارد و پس از آن موانع «فساد اداری»، «کم‌رنگ‌بودن شفافیت»، «ضعف دولت الکترونیک»، «اقتصاد متکی به نفت»، «مسئله خصوصی‌سازی و رقابت‌پذیری»، «کاهش جمعیت و بسته‌شدن پنجره جمعیتی» و «نظام بودجه‌ریزی معیوب» به ترتیب از عملکرد کمتری جهت رفع آن‌ها برخوردار هستند. در گام بعد به منظور تشکیل ماتریس تحلیل اهمیت- عملکرد نیازمند تعیین ارزش آستانه اهمیت و ارزش آستانه عملکرد جهت تعیین مختصات تقاطع خطوط ربعی هستیم. برای این منظور با استفاده از فرمول ارائه‌شده، ارزش آستانه اهمیت و عملکرد برابر مقادیر زیر است:

$$\text{ارزش آستانه اهمیت } (\mu) = ۹۳/۳۵ // \text{ارزش آستانه عملکرد } (\mu) = ۲۰/۳۰$$

بر این اساس می‌توان با استفاده از مختصات تقاطع خطوط ربعی و واردکردن مقادیر اهمیت و عملکرد هر یک از سیاست‌ها در نرم‌افزار Excel، ماتریس تحلیل اهمیت- عملکرد را ترسیم و موقعیت نسبی هر یک از سیاست‌ها بر روی این ماتریس را تعیین نمود. البته همان‌طور که بیان شد این ماتریس از دو محور تشکیل شده است که محور افقی آن «عملکرد» و محور عمودی آن «اهمیت» را نشان می‌دهد. این ماتریس به چهار ربع تقسیم می‌شود.



شکل ۲. ماتریس اهمیت- عملکرد موانع حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران

براساس اطلاعات مستخرج از شکل ۲، از میان موانع ۲۴ گانه فوق، سه مانع در ربع اول قرار داشته و سه مانع در ربع چهارم قرار دارد. همچنین در هر یک از ربع‌های دوم و سوم نیز به ترتیب نه و هشت مانع قرار دارد. قرارگرفتن موانع در ربع اول که محور تمرکز نامیده می‌شود، نشان‌دهنده آن است که سطح عملکرد دستگاه‌های اجرایی در خصوص رفع این موانع نسبتاً پایین است (Amorim & Saghezchi, 2015: 345-246). به عبارت دیگر این ربع، ضعف سازمان‌ها در رفع این موانع را نشان می‌دهد. اگر موانعی که در این ربع قرار گرفته‌اند به‌زودی بهبود پیدا نکنند و مرتفع نشوند، حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران را با معضلات زیادی روبه‌رو می‌سازد. این موانع شامل موارد زیر هستند:

- عوام‌گرایی سیاسی
- تورم قوانین
- کاهش سرمایه اجتماعی

نُه مانع در ربع دوم که نشان‌دهنده ادامه مسیر فعلی است و موانعی که در این ربع قرار گرفته‌اند، در موقعیت مناسبی قرار دارند و تمرکز بر روی آن‌ها در آینده می‌تواند موجب بهبود حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران شود، وجود دارد. بنابراین می‌توان گفت تقریباً نُه مانع از مجموع موانع حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران به درستی و به صورت مناسب نسبت به رفع آن اقدام شده است. این موانع عبارت‌اند از:

- تحریم و شرطی‌شدن اقتصاد
- نظام بودجه‌ریزی معیوب
- ضعف در نظام برنامه‌ریزی
- مسئله خصوصی‌سازی و رقابت‌پذیری
- ضعف دولت الکترونیک
- کم‌رنگ‌بودن شفافیت
- فساد اداری
- اقتصاد متکی به نفت
- کاهش جمعیت و بسته‌شدن پنجره جمعیتی

اگرچه سطح عملکرد جمهوری اسلامی ایران نسبت به رفع موانع مستقر در ربع سوم پایین است اما سیاست‌گذاران و مدیران نباید در این بخش تمرکز زیادی داشته باشند. به عبارت دیگر منابع بایستی به صورت محدود مصرف رفع موانعی قرار گیرد که در این ربع قرار دارند. براساس نظرات خبرگان هشت مانع در این ربع قرار گرفته است که عبارت‌اند از:

- نظارت پیشینی و بحران صدور مجوز
 - نقش‌آفرینی نهادهای بین‌المللی و شرکت‌های چندملیتی
 - ضعف وجود دولت عمیق در کشور
 - ضعف احزاب و گروه‌های سیاسی
 - وجود نهادهای موازی
 - تمرکزگرایی
 - وجود قوانین خاکستری (گرد)
 - عدم جانشین‌پروری مناسب
- در نهایت موانعی که در ربع چهارم قرار می‌گیرند، موانعی هستند که به‌رغم اهمیت کمتری که نسبت به موانع ربع اول و دوم دارند، از عملکرد بالاتری برخوردار هستند. به عبارت دیگر تمرکز دستگاه‌های اجرایی و منابع اختصاص‌یافته به رفع این موانع در مقایسه با موانع موضوع ربع اول، بیش از مقدار مورد نیاز است. به عبارت دیگر شاهد اتلاف منابع هستیم. این موانع عبارت‌اند از:

- بروز و گسترش جنبش‌های نوین اجتماعی
 - بی‌عملی و کم‌کاری مدیران
 - کژکارکردی نظام انتخاباتی
- از آنجا که سیاست‌گذاری به دنبال بهینه‌سازی اقدامات است (Sepehrirad, Azar & Dabestani, 2015)، می‌توان براساس اطلاعات مستخرج از جدول ۲، در اولویت‌بندی رفع موانع حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران تغییراتی را اعمال کرد تا مدیران دستگاه‌های اجرایی بتوانند براساس اولویت‌بندی جدید تمرکز و منابع خود را صرف نمایند. اولویت‌بندی ارائه‌شده از موانع بر اساس شکاف میان اهمیت و عملکرد آن‌ها استخراج شده و در جدول زیر نشان داده می‌شود.

جدول ۳. اولویت‌بندی رفع موانع حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران

اولویت رفع مانع	میزان شکاف بین اهمیت و عملکرد	مانع
۲۳	۰/۱۴	بروز و گسترش جنبش‌های نوین اجتماعی
۳	۱/۲۳	کاهش سرمایه اجتماعی
۱۸	۰/۵۴	کاهش جمعیت و بسته‌شدن پنجره جمعیتی
۱۱	۰/۶۶	ضعف احزاب و گروه‌های سیاسی
۱	۱/۴۵	عوام‌گرایی سیاسی
۸	۰/۸۶	عدم جان‌شین‌پروری مناسب
۱۲	۰/۶۳	کژکارکردی نظام انتخاباتی
۱۶	۰/۵۶	ضعف وجود دولت عمیق در کشور
۲۱	۰/۲۲	نقش‌آفرینی نهادهای بین‌المللی و شرکت‌های چندملیتی
۹	۰/۷۸	اقتصاد متکی به نفت
۱۴	۰/۶۱	مسئله خصوصی‌سازی و رقابت‌پذیری
۱۷	۰/۵۶	تحریم و شرطی‌شدن اقتصاد
۶	۱/۰۲	نظام بودجه‌ریزی معیوب
۱۵	۰/۵۹	فساد اداری
۲۰	۰/۴۹	کم‌رنگ‌بودن شفافیت
۷	۰/۹۵	وجود نهادهای موازی
۴	۱/۱۹	ضعف در نظام برنامه‌ریزی
۱۰	۰/۶۸	تمرکزگرایی
۱۳	۰/۶۱	ضعف دولت الکترونیک
۲۲	۰/۱۵	بی‌عملی و کم‌کاری مدیران
۲	۱/۳۹	تورم قوانین
۵	۱/۰۳	وجود قوانین خاکستری (گرد)
۱۹	۰/۵۱	نظارت پیشینی و بحران صدور مجوز

بر این اساس موانع «عوام‌گرایی سیاسی»، «تورم قوانین»، «کاهش سرمایه اجتماعی» و «ضعف در نظام برنامه‌ریزی» باید به ترتیب در اولویت مسئولان اجرایی کشور قرار گرفته تا این موانع و چالش‌ها کم‌رنگ شده و رفع شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به ضرورت رفع موانع حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران، ارزیابی عملکرد جمهوری اسلامی ایران در این حوزه و اولویت‌بندی رفع این موانع ضروری است. همان‌طور که در ابتدای این پژوهش توضیح داده شد، محور کانونی پژوهش حاضر پیرامون اولویت‌بندی موانع حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران است. برای این منظور براساس مطالعات صورت‌گرفته، تلاش شد تا براساس مطالعات اسنادی، موانع حکمرانی در کشور استخراج شود و سپس با استفاده از روش کمی تحلیل اهمیت-عملکرد، فاصله بین وضعیت مطلوب و وضعیت موجود رفع این موانع در جمهوری اسلامی ایران از دریچه نگاه خبرگان مشخص شود تا در نهایت مبتنی بر نگرش‌های به‌دست‌آمده، موانع موجود اولویت‌بندی شود.

در مجموع می‌توان این‌گونه جمع‌بندی کرد که نخست؛ موانع حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به پنج حوزه «اجتماعی»، «سیاسی»، «اقتصادی»، «اداری» و «حقوقی» تقسیم‌بندی نمود که عبارت‌اند از: بروز و گسترش جنبش‌های نوین اجتماعی؛ کاهش سرمایه اجتماعی؛ کاهش جمعیت و بسته‌شدن پنجره جمعیتی؛ ضعف احزاب و گروه‌های سیاسی؛ عوام‌گرایی سیاسی؛ عدم جانشین‌پروری مناسب؛ کژکارکردی نظام انتخاباتی؛ ضعف وجود دولت عمیق در کشور؛ نقش‌آفرینی نهادهای بین‌المللی و شرکت‌های چندملیتی؛ اقتصاد متکی به نفت؛ مسئله خصوصی‌سازی و رقابت‌پذیری؛ تحریم و شرطی‌شدن اقتصاد؛ نظام بودجه‌ریزی معیوب؛ فساد اداری؛ کم‌رنگ‌بودن شفافیت؛ وجود نهادهای موازی؛ ضعف در نظام برنامه‌ریزی؛ تمرکزگرایی؛ ضعف دولت الکترونیک؛ بی‌عملی و کم‌کاری مدیران؛ تورم قوانین؛ وجود قوانین خاکستری (گرد) و نظارت پیشینی و بحران صدور مجوز.

دوم؛ می‌توان اهمیت موانع احصاشده را از منظر خبرگان جمهوری اسلامی ایران با میانگین امتیاز ۳/۹۳ (از ۵ امتیاز) تقریباً عالی و با اهمیت دانست. در این بعد، موانع «نظام بودجه‌ریزی معیوب»، «ضعف در نظام برنامه‌ریزی»، «کاهش سرمایه اجتماعی»، «تحریم و شرطی شدن اقتصاد»، «اقتصاد متکی به نفت»، «تورم قوانین»، «فساد اداری» و «عوام‌گرایی سیاسی» به ترتیب دارای بیشترین اهمیت هستند.

سوم؛ از نگاه خبرگان می‌توان عملکرد جمهوری اسلامی ایران برای رفع موانع حکمرانی را با میانگین امتیاز ۳/۲۰ (از ۵ امتیاز) نسبتاً خوب ارزیابی کرد. در این بعد نیز موانع «تحریم و شرطی شدن اقتصاد»، «فساد اداری»، «کم‌رنگ‌بودن شفافیت»، «ضعف دولت الکترونیک»، «اقتصاد متکی به نفت»، «مسئله خصوصی‌سازی و رقابت‌پذیری»، «کاهش جمعیت و بسته‌شدن پنجره جمعیتی» و «نظام بودجه‌ریزی معیوب» به ترتیب از عملکرد بهتری جهت رفع آن‌ها برخوردار بوده‌اند.

چهارم؛ بر اساس تحلیل و ارزیابی شکاف میان اهمیت و عملکرد موانع، لازم است موانع «عوام‌گرایی سیاسی»، «تورم قوانین»، «کاهش سرمایه اجتماعی» و «ضعف در نظام برنامه‌ریزی» به ترتیب در اولویت مسئولان اجرایی کشور قرار گیرد.

نکته پایانی اینکه جمهوری اسلامی ایران برای جلوگیری از گسترش و تعمیق این چالش‌ها و به منظور پرکردن این شکاف‌ها باید مجموعه وسیعی از مکانیسم‌ها را اتخاذ نماید. این مکانیسم‌ها گسترده هستند؛ از مکانیسم‌های الزام‌آور (مانند قوانین) تا تکنیک‌های نرم‌تر مانند ایجاد هماهنگی میان ارگان‌های مختلف را شامل می‌شود. در مجموع برای خروج از چالش‌ها و موانع حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران انجام اقدامات زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱. استفاده از سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد: سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد می‌تواند به دولت‌ها کمک کند تا بازگشت خود را به مسیر رشد پایدار ترسیم کنند. این مدل، دولت‌ها را ملزم می‌کند تا برای تصمیم‌گیری‌های آگاهانه‌تر، همه اطلاعات مربوطه را در نظر بگیرند. به طور خاص، این مدل تلاش می‌کند دولت‌ها مزایای پیشنهادات سیاستی خود را با هزینه‌های آتی آن ارزیابی کنند. همچنین این مدل، توانایی مدیریت

ریسک‌ها، کسب و تخصیص مناسب منابع، نظارت بر فرایندها و رویه‌ها و بررسی تأثیر و اثربخشی تصمیمات و اقدامات دولت را افزایش می‌دهد.

۲. افزایش یکپارچگی در بخش‌های دولتی: نبود یکپارچگی در نهادها و کارگزاران دولتی یک عامل مؤثر در بروز و گسترش بحران‌های مختلف بوده است. در عین حال، اندازه، مقیاس و سرعت واکنش دولت به این بحران‌ها، خطرات و فرصت‌های اتلاف، تقلب و فساد را افزایش داده است. اثربخشی اقدامات دولت نیز به اعتبار آن و اعتماد عمومی به دولت بستگی دارد. با توجه به اینکه اعتبار از یکپارچگی (توانایی دولت برای عمل به نفع عمومی و به حداقل رساندن اتلاف، تقلب و فساد) سرچشمه می‌گیرد، بنابراین در حال حاضر، وجود نظام‌های یکپارچه قوی بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارند. چارچوب یکپارچگی شامل ابزارها (مانند نظام‌نامه اخلاقی، سیاست‌های تضاد منافع، ترتیبات افشاگری)، فرایندها و ساختارهایی برای تقویت یکپارچگی و جلوگیری از فساد در سازمان‌های عمومی است.

۳. ایجاد هماهنگی میان سیاست‌ها و برنامه‌ها در سطوح دولتی: مدیریت روابط بین سطوح مختلف نظام سیاسی یک موضوع کلیدی در حکمرانی عمومی است؛ زیرا تقریباً همه کشورها به یک میزانی غیرمتمرکز هستند. دولت‌های مرکزی برای دستیابی به بسیاری از اهداف خود به همکاری با سطوح پایینی وابسته هستند. در عین حال، سطوح پایینی برای انجام مسئولیت‌های خود، اغلب به همکاری یا رضایت سطوح بالاتر وابستگی دارند. چالش‌های و موانع مختلف حکمرانی، انگیزه بهبود هماهنگی میان سطوح مختلف دولت‌های مرکزی و محلی را افزایش می‌دهد. مکانیسم‌های قانونی می‌توانند شکاف‌های مختلف را برطرف کنند و با تبیین واضح مسئولیت‌ها، هماهنگی میان سیاست‌ها و برنامه‌ها در سطوح دولتی را بهبود بخشند.

۴. کمک به ایجاد پایداری مالی: وضعیت فعلی کشور، امنیت مالی و اقتصادی کشور را تضعیف کرده است. همچنین چالش‌های بلندمدت شدید دیگری مانند تغییرات جمعیتی، تغییرات آب‌وهوایی جهانی و بدهی‌های احتمالی دولت در آینده، این پتانسیل را نیز دارد که پایداری مالی کشور را تهدید کند. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران

نیازمند «استراتژی خروج» برای کاهش بدهی و کسری بودجه است تا بتواند به سمت پایداری مالی حرکت کند. پایداری مالی شامل چهار بعد می‌شود: توان پرداخت بدهی (ظرفیت دولت برای تأمین مالی بدهی‌ها و تعهدات موجود و احتمالی آتی)؛ رشد اقتصادی پایدار (توانایی دولت برای حفظ رشد اقتصادی در یک دوره طولانی)؛ درآمدهای مالیاتی پایدار (توانایی دولت برای تأمین مالی تعهدات آتی بدون افزایش بار مالیاتی) و عدالت بین‌نسلی (توانایی دولت برای ارائه منافع مالی خالص برای نسل‌های آینده که کمتر از منافع خالص ارائه‌شده برای نسل‌های فعلی نباشد). برای دستیابی جمهوری اسلامی ایران به پایداری مالی باید از ابزار «پیش‌بینی‌های مالی» استفاده کرد. این ابزار می‌تواند به جایگاه دولت‌ها در آینده کمک کند تا فشارهای مالی پیش‌بینی‌نشده یا کمتر قابل‌پیش‌بینی را در صورت ورود و هنگام ورود بهتر مدیریت کنند.



منابع

- ابراهیم زاده، عبسی و زارع، محمد (۱۳۹۳)، «تحلیلی بر سرمایه اجتماعی از منظر میزان آگاهی و اعتماد شهروندان به مسئولان اجرایی مطالعه موردی: منطقه سه زاهدان»، فصلنامه آمایش جغرافیایی فضا، ۴(۱۳)، ۱-۱۸.
- ابوالفتحی، محمد و قنبری، لقمان (۱۳۹۸)، «بررسی موانع و راهکارهای تحقق حکمرانی خوب در ایران با تأکید بر سرمایه اجتماعی در سطح کلان»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۸(۵۹)، ۹-۴۱.
- اطاعت، جواد (۱۳۹۹)، «مشروعیت و مشارکت سیاسی در اندیشه فقهای شیعه»، فصلنامه رهیافته‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۷(۶۳)، ۹۴-۶۷.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۹)، «بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی؛ با موضوع الگوی اسلامی-ایرانی پیش‌رفت»، منتشر شده در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ایمدظله‌العالی، قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10664>
- امام خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳)، «بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در هشتمین همایش ملی نخبگان جوان»، منتشر شده در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ایمدظله‌العالی، قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=27985>
- امیرپور، فرهاد (۱۳۹۶)، چالش‌های اجرای اصول حکمرانی خوب در نظام استخدامی صنعت نفت و گاز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، پردیس فارابی.
- ایمانی‌نژاد، محمدباقر (۱۳۹۷)، شناسایی و اولویت‌بندی الزامات رقابتی راهبرد تولید برای صادرات در صنعت داروهای گیاهی (به‌منظور تحقق سیاست دهم اقتصاد مقاومتی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق(ع).
- دوله، فاطمه؛ سیف‌اللهی، سیف‌الله و زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۹۸)، «مطالعه زمینه‌ها و مولفه‌های شکل‌گیری حکمرانی خوب در ایران معاصر»، فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۱(۴۵)، ۱۲۳-۱۵۴.
- ذاکری، محمد؛ اسدی، اسماعیل و لطفی، هادی (۱۳۹۵)، «تبیین الگوی جانشین‌پروری مدیران در حکومت علوی بر اساس نهج البلاغه»، پژوهشنامه نهج البلاغه، ۴(۱۵)، ۵۹-۷۸.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا (۱۳۹۸)، «درآمدی نظری بر مفهوم، ماهیت و عملکرد پوپولیسم»، فصلنامه رهیافته‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۶(۶۰)، ۶۲-۸۵.
- شفقی، مریم (۱۳۹۲)، «کنش‌گفتاری «وعده» و «وعده در گفتار سیاسی»، فصلنامه جستارهای زبانی، ۴(۱۴)، ۱۴۱-۱۵۸.
- فولادی، محمد (۱۳۹۸)، «تحلیلی بر تغییر و تحولات جمعیتی در ایران؛ با تأکید بر فرصت‌طلایی پنج‌ره جمعیتی»، فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، ۱۱(۳۹)، ۴۳-۶۰.
- قلی‌پور، حسین و رازینی، روح‌الله (۱۳۹۵)، «تحلیل مؤلفه‌های خط‌مشی تحول‌طلبانه و انسدادی با استفاده از رویکرد تحلیل اهمیت-عملکرد»، مطالعات راهبردی بسیج، ۱۹(۷۰)، ۴۱-۷۰.

نعمت‌الهی، عباس (۱۳۹۸)، چالش‌های پیش روی حکمرانی و مدیریت کلانشهری، تهران: زرنوشت.

- Almedom, A. M. (2005), "Social capital and mental health: An interdisciplinary review of primary evidence", *Social science & medicine*, 61(5), 943-964.
- Amorim, M., & Saghezchi, F. B. (2015), "Exploring Opportunities to Improve Retail Store Quality Using RSQS", In *International Conference on Exploring Services Science* (pp. 340-350). Springer, Cham.
- Ayios, A., Jeurissen, R., Manning, P., & Spence, L. J. (2014), "Social capital: a review from an ethics perspective", *Business Ethics: A European Review*, 23(1), 108-124.
- Azzopardi, E., & Nash, R. (2013), "A critical evaluation of importance-performance analysis", *Tourism management*, 35, 222-233.
- Beunen, R., & Van Assche, K. (2021), "Steering in Governance: Evolutionary Perspectives", *Politics and Governance*, 9(2), 365-368.
- Brown, D. (2005), "Electronic government and public administration", *International Review of Administrative Sciences*, 71(2), 241-254.
- Chen, Z. (2021), "Building National Governance, Global Governance and the World Order", In *Chinese Perspectives on Global Governance and China* (pp. 104-114), Leiden: Brill.
- Eggertsson, T. (2005), *Imperfect institutions: possibilities and limits of reform*, Michigan: University of Michigan Press.
- Ellickson, R. (1991), *Order without law. How neighbors settle disputes*, Cambridge: Harvard University Press.
- Eskildsen, J. K., & Kristensen, K. (2006), "Enhancing importance-performance analysis", *International Journal of Productivity and Performance Management*, 55(1), 40-60.
- Ewulum, B. (2021), "Decriminalization of Child Labour Disguised as House Helping In Nigeria", *Law and Social Justice Review*, 2.(۱)
- Fjelde, H. (2020), "Political party strength and electoral violence", *Journal of Peace Research*, 57(1), 140-155.
- Guillen, L., Coromina, L., & Saris, W. E. (2011), "Measurement of social participation and its place in social capital theory", *Social Indicators Research*, 100(2), 331-350.
- Hawkins, K. A., Carlin, R. E., Littvay, L., & Kaltwasser, C. R. (2018), *The ideational approach to populism: Concept, theory, and analysis*, Oxfordshire: Routledge.
- Hellerstein, J. K., & Neumark, D. (2020), "Social Capital, Networks, and Economic Wellbeing", *The Future of Children*, 30(1), 127-152.
- Ilan, J. (2013), "Street social capital in the liquid city", *Ethnography*, 14(1), 3-24.
- Khan, H. A. (2017), *Globalization and the challenges of public administration: Governance, human resources management, leadership, ethics, e-governance and sustainability in the 21st century*, Berlin: Springer.
- Klesner, J. L. (2007), "Social capital and political participation in Latin America: evidence from Argentina, Chile, Mexico, and Peru", *Latin American research review*, 1-32.
- Kudo, H. (2019), "Death of Open Data? How Open Data has been realising and/or not realising Open Government", In *Central and Eastern European e| Dem and e| Gov Days 2021: Conference Proceedings* (pp. 481-493), Wien: Facultas Verlags-und Buchhandels AG (Österreichische Computer Gesellschaft)
- Martilla, J. A., & James, J. C. (1977), "Importance-performance analysis", *Journal of marketing*, 41(1), 77-79.

- Mashreque, M. S., & Rahman, M. A. (2015), "Governance and Public Policy: An Overview", *YPSA-Young Power in Social Action*, 5(1), 191-201.
- Naderifar, M., Goli, H., & Ghaljaie, F. (2017), "Snowball sampling: A purposeful method of sampling in qualitative research", *Strides in Development of Medical Education*, 14(3), 1-6.
- North, D. C. (2005), *Understanding the process of economic change*, Princeton: Princeton University Press.
- OECD. (2009), *Government at a Glance 2009*, Paris: OECD Publishing, <https://doi.org/10.1787/9789264075061-en>.
- Ogura, T. (2006), "Electronic government and surveillance-oriented society", In *Theorizing surveillance* (pp. 284-309). Willan.
- Oliver, R. L. (2010), *Satisfaction: A behavioral perspective on the consumer*, Oxfordshire: Routledge.
- Phadernod, B., Crowder, R. M., & Wills, G. B. (2019), "Importance-performance analysis based SWOT analysis", *International Journal of Information Management*, 44, 194-203.
- Puspitasari, E. (2017), *The World Bank's influences on the Political Economy of Geothermal Liberalization under President Susilo Bambang Yudhoyono Administration*, Doctoral dissertation, Universitas Airlangga.
- Putnam, R. D. (1995), "Bowling alone: America's declining social capital", *Journal of Democracy*, 6(1), 65-78.
- Radzi, M. S. R., Tajudin, M. M., Musa, N. C., & Rose, R. M. (2021), "The Importance of Governance in Digital Transformation: A Case Study of e-CRM Implementation in a Malaysian Petrochemicals Company", *International Journal of Early Childhood Special Education (INT-JECSE)*, 13(1), 257-267.
- Rewizorski, M. (2019), "Running away from Weltschmerz: global governance and a double challenge for the future of multilateralism", *International Organisations Research Journal*, 14.(۱)
- Slothuus, R., & Bisgaard, M. (2021), "How political parties shape public opinion in the real world", *American Journal of Political Science*, 65(4), 896-911.
- Tavits, M. (2006), "Making democracy work more? Exploring the linkage between social capital and government performance", *Political Research Quarterly*, 59(2), 211-225.
- Theresa, N. O. (2020), "Woman's Protest and Liberation in Some Selected Igbo Novels", *Interdisciplinary Journal of African & Asian Studies (IJAAS)*, 6.(۱)
- Torchiano, M., Fernández, D. M., Travassos, G. H., & de Mello, R. M. (2017), "Lessons learnt in conducting survey research", In *IEEE/ACM 5th International Workshop on Conducting Empirical Studies in Industry (CESI)* (pp. 33-39). IEEE Computer Society.
- Van Assche, K., Beunen, R., & Duineveld, M. (2013), *Evolutionary governance theory: An introduction*, Berlin: Springer.
- Wu, Z. (2021), "The Impact of Global Governance on National Governance", In *Chinese Perspectives on Global Governance and China* (pp. 94-103). Leiden: Brill.